

گزیده ای از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری

درباره

انقلاب‌های جهان



روند تکاملی تحولات انقلاب اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته، توجه مراکز علمی و تحقیقاتی و محافل سیاسی و خبری جهان را به خود معطوف کرده است؛ به طوری که عظمت این رخداد و نتایج متنوعش در عرصه‌های گوناگون، یکی از مهم‌ترین موضوعات مطالعاتی به شمار می‌آید. با این که تاکنون هزاران جلد کتاب و مقاله در این خصوص به رشته تحریر درآمده و چندین کنگره و گردهمایی علمی و سیاسی درباره زوایای مختلف انقلاب اسلامی برگزار شده است، اما این تلاش‌ها کافی به نظر نمی‌رسد و ضرورت پژوهش در این فضا همچنان به گونه‌ای آشکار وجود دارد.



- دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره انقلاب‌های جهان

تاریخ	موضوع	عنوان
<p align="center">بیانات در دیدار مردم قم، ۸۱/۱۰/۱۹</p>	<p>کسانی که تاریخ انقلاب‌های دنیا را خوانده‌اند، می‌دانند که انقلاب‌ها در کشورهایی که انقلاب‌های بزرگ در آن‌ها به وجود آمد، چه فجایعی ایجاد کرد. همه آن انقلاب‌ها یا بیشترین و مهم‌ترین آن‌ها هم به دیکتاتوری‌های سیاه منتهی شدند. انقلاب فرانسه در دو قرن قبل، انقلاب روسیه شوروی در یک قرن قبل و انقلاب‌هایی که به شکل کودتا و امثال آن به وجود آمدند، حقوق مردم را پایمال کردند، دموکراسی‌ها را متوقف کرده و آرای مردم را به کلی نادیده گرفتند. انقلاب اسلامی توانست آزادی را به این ملت بدهد و در کمترین فاصله که موجب حیرت دنیا شد. همین مردم را که قرن‌ها معنای رأی دادن و معنای دخالت کردن در امور کشور را نتوانسته بودند، به‌طور ملموس بچشد، پای صندوق‌های رأی بیاورد و آنها را با همان شیوه‌ای که دنیای مدرن آن را معتبر می‌داند و نمی‌تواند کمترین خدشه‌ای در آن وارد کند، در امور کشور دخیل نماید. این همه انتخابات در این کشور اتفاق افتاده است. مردم بدون هیچ ضایعه‌ای شرکت و دخالت کرده‌اند. این هنر بزرگ نظام اسلامی بود. در کشورهای به اصطلاح دموکراتیک هم گاهی در انتخابات حوادث خونین و تلخ به وجود می‌آید. ملت ما با کمال متانت در انتخابات گوناگون شرکت کرد.</p>	<p align="center">انقلاب اسلامی</p>
<p align="center">بیانات در سالگرد ارتحال امام(ره)، ۹۱/۳/۱۴</p>	<p>ما ایرانی‌ها در طول تاریخ طولانی خودمان دوران‌های متفاوتی را گذرانده‌ایم؛ عزت هم داشتیم، ذلت هم داشتیم؛ اما در این دوران طولانی دوپست ساله منتهی به انقلاب، ما یک دوران سخت تاریک ذلت را گذرانیدیم. ... همت امام - که رهبر این انقلاب و زمامدار این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود - بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیاء کند؛ عزت آنها را به آنها برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ «ما می‌توانیم» را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جایگزین کرد؛ این همان فرهنگ قرآنی است که فرمود: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین». خود ایمان به معنای علو است. ایمان وسیله علو مادی است، اما فقط این نیست؛ نفس ایمان علوآور است، عزت‌آور است، یک ملت را رشد می‌دهد. خود امام جلو افتاد، رهبری کرد، آن وقت انگیزه‌ها در مردم بیدار شد، همت‌ها در مردم بیدار شد، استعدادها جوشیدن گرفت؛ و عمل مردم، حضور مردم در صحنه، زمینه جلب رحمت الهی شد. این، نکته بسیار عظیمی است. رحمت الهی گسترده است؛ اما تا انسان ظرف خود را آماده نکند، این باران رحمت گیر او نمی‌آید. ملت ما به صحنه آمد، خود را در وسط میدان قرار داد، این شد زمینه رحمت الهی و هدایت الهی؛ هدایت الهی شامل حال او شد، رحمت الهی شامل حال او شد، حرکت بی‌وقفه آغاز شد؛ حرکت به سمت عزت، حرکت رو به جلو، حرکت عزت‌آفرین؛ البته گاهی کند، گاهی تند، اما بدون وقفه و تعطیل.</p>	<p align="center">انقلاب اسلامی</p>
<p align="center">بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۷۹/۱۲/۹</p>	<p>...این کدام فلسفه است، با کدام انقلاب تطبیق شده و در کجا تجربه شده که نسل‌های سوم انقلاب، از انقلاب برمی‌گردند؟ خیر، این بسته به این است که ایده آن انقلاب چه باشد. اگر ایده‌های یک انقلاب بتواند نسل دوم و سوم و دهم را به خاطر اصالت و صحت خود قانع کند، آن انقلاب عمر ابدی خواهد داشت. ایده‌های انقلاب اسلامی، ایده‌هایی هستند که عمر ابد دارند. عدالتخواهی هیچ وقت کهنه نمی‌شود؛ آزادی‌خواهی و استقلال‌خواهی هیچ وقت کهنه نمی‌شود؛ مبارزه با دخالت بیگانگان هیچ وقت کهنه نمی‌شود. اینها ایده‌هایی است که همیشه برای نسل‌ها جاذبه دارد. تئورسین هایشان نشستند بافتند، ساده‌لوحان هم در این جا باور کردند؛ گفتند نسل سوم انقلاب ایده‌ها را پس می‌زند و چون جاذبه انقلاب کم می‌شود، ما می‌توانیم برویم انقلاب را از دست انقلابیون خارج کنیم و به دست خودمان بگیریم! «خودمان» یعنی چه کسانی؟ یعنی کسانی که قبل از انقلاب، سال‌ها بر این کشور مسلط بودند! من می‌گویم این فکر، بسیار ساده‌لوحانه و ابلهانه است. مطمئن باشند همان شور و هیجان و ایمان و عواطفی که در نسل جوان آن روز وجود داشت و توانست آن کار را بکند، در این نسل جوان هم موجود است. بدانند هر سنگی به سمت انقلاب پرتاب کنند، کمانه می‌کند و به سر و روی خودشان برمی‌گردد. انقلاب کهنه نمی‌شود و آتش انقلاب آن‌گاه که با انبار پنبه پوسیده آنها درگیر شود، باز هم تازه خواهد بود و خواهد سوزاند.</p>	<p align="center">انقلاب اسلامی</p>
<p align="center">بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۹۰/۵/۱۹</p>	<p>انقلاب آمریکا - یعنی به اصطلاح آزادی آمریکا از دست دولت انگلیس - پنج، شش سال قبل از انقلاب فرانسه است؛ یعنی حدود سال ۱۷۸۲. البته آن وقت آمریکا جمعیت چهار پنج میلیون یا بیشتر نداشته است. یک حرکتی کردند، یک دولتی تشکیل دادند، شخصیت‌هایی سر کار آمدند - مثل همین شخصیت معروف جورج واشنگتن و دیگران - لیکن اینها هم همین طور. بعد از آن حرکت اولیه‌ای که اینها انجام دادند، ملت آمریکا محنت‌ها کشیدند و جنگ‌های داخلی عجیب و غریبی را پشت سر گذاشتند، که در یکی از</p>	<p align="center">انقلاب آمریکا</p>

عنوان	موضوع	تاریخ
	جنگ‌های داخلی - که مهم‌ترین جنگ داخلی بین شمال و جنوب است؛ یعنی در واقع شمال شرقی و جنوب شرقی؛ چون آن وقت غرب آمریکا تازه هنوز در اختیار این کشور و این دولت قرار گرفته بود - در طول چهار سال اقلأ یک میلیون نفر کشته شدند. البته آن وقت آمار هم وجود نداشته؛ آن کسانی که نوشتند و حرف زدند، این را می‌گویند. تا بالاخره به تدریج بعد از گذشت تقریباً صد سال از استقلال آمریکا، دولت یک استقراری پیدا کرده و توانسته حرکت خودش را در همان بسترهای قبلی ادامه بدهد. البته ماجرای جنایت‌هایی که اتفاق افتاده، فاجعه‌هایی که به وسیله همان حاکمان و اطرافیان و ارتششان اتفاق افتاده، داستان غم‌انگیز طولانی عجیبی است: حمله به کشورهای همسایه، تعرض به شهروندان اصلی - یعنی سرخپوست‌ها - قلع و قمع قبائل سرخپوست. من تأسف می‌خورم که جوان‌های ما این قضایا را نمی‌دانند. وقتی انسان بداند که آنچه امروز از تمدن و از پیشرفت و از ثروت در بعضی از این کشورها وجود دارد، محصول چقدر خرابکاری و بدعملی و سنگدلی و بی‌انصافی است، آن وقت نسبت به کاری که باید انجام بگیرد، نسبت به وظیفه‌ای که انسان دارد، یک افق دید دیگری پیدا می‌کند.	
انقلاب فرانسه	انقلاب کبیر فرانسه به یک معنا یک انقلاب ناکام بود. حداکثر یازده سال یا دوازده سال بعد از انقلاب، امپراتوری پر قدرت ناپلئون به وجود می‌آید؛ یعنی یک پادشاهی مطلق، که پادشاهان قبل از لوئی شانزدهم کشته شده در انقلاب هم اینجور که ناپلئون پادشاهی کرده بود، پادشاهی نکرده بودند!	بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۹۱/۸/۲۳
انقلاب فرانسه: انقلاب فرانسه ؛ انقلاب ناکام	... بعد هم ناپلئون مُرد و همان خاندانی که با انقلاب کبیر فرانسه رفته بودند، دوباره سر کار آمدند؛ یعنی بورژوازی‌ها. و سال‌ها طول کشید، تا سال ۱۸۶۰، سلسله سلاطین در فرانسه همین طور دست‌به‌دست شدند. پس انقلاب به وسیله مردم پیروز شد، اما مردم نتوانستند انقلاب را نگه دارند؛ این خیلی مطلب مهمی است. ما توانستیم انقلابمان را نگه داریم، به برکت ایمان، به برکت اسلام، به برکت دمیدن پی‌درپی روح قرآن در کالبد این مردم و در دل‌های این مردم. این است که می‌تواند بقاء حرکت‌ها را و تداوم آنها را و پیروزی آنها را تضمین کند؛ این باید اتفاق بیفتد.	بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی، ۸۹/۱۲/۱
انقلاب روسیه: سایه سنگین استالینیسیم بر سر انقلاب روسیه	انقلاب اکتبر شوروی هم به نسل سوم نرسید. هنوز شش، هفت سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که استالینیسیم بر سر کار آمد. استالینی بر سر کار آمد که امروز در دنیا هر کس را بخواهند به گردن کلفتی و زورگویی و ظلم و بی‌ملاحظه گی و دوری از انسانیت متهم کنند، به استالین تشبیه می‌کنند! درست هم هست؛ استالین واقعاً مظهر این صفات بد بود. حکومت به اصطلاح کارگری، که برای طبقات ضعیف تشکیل شده بود، به حکومت استبداد مطلق فردی تبدیل شد! استالین حتی به حزب کمونیست هم که در نظام شوروی همه‌کاره بود، اجازه نمی‌داد که در زمینه‌هایی تصمیم‌گیری کند. با آن وضعیت خشن و عظیم، استالین یک حکومت مطلقه سی و چند ساله را ادامه داد؛ هیچ کس هم جرأت نداشت اعتراض کند.	بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۷۹/۱۲/۹

تحلیل

در دوران مدرن چند انقلاب مهم شامل آمریکا (۱۷۶۶)، فرانسه (۱۷۸۹)، روسیه (۱۹۱۷)، چین (۱۹۴۹) و انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) دنیا را تکان داد. فارغ از ریشه‌های هر انقلاب، رهایی انسان از قید ظلم و بی‌عدالتی آرمان اصلی همه آنها بود؛ با این حال سرنوشت این انقلاب‌ها بعد از روی کار آمدن انقلابیون یکسان نبود.

انقلاب آمریکا که منجر به آزادی نخستین مستعمره و تدوین نخستین قانون اساسی جهان شد، نتوانست به طور کامل به آرمان‌های خود دست یابد. به رغم شعار برابری انسان‌ها که در قانون اساسی هم مورد تأکید قرار گرفته بود، زنان، سیاهپوستان و سرخپوستان آمریکا از حقوق برابر با مردان سفید پوست برخوردار نشدند و هر یک مطالب بسیاری را در دوره ۴۰ ساله بعد از انقلاب متحمل شدند. تحدید آزادی وعده داده شده در قانون اساسی هم موضوع دیگری بود که به بهانه حفظ امنیت داخلی صورت گرفت. بعلاوه توسعه طلبی که در دیدگاه رهبران انقلاب امری مذموم بود در دهه سوم انقلاب در پیش گرفته شد.

انقلاب فرانسه با شعار آزادی، برابری و برادری به پیروزی رسید و منشا دوره‌ای از دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی در تاریخ سیاسی فرانسه و اروپا شد. این انقلاب که یکی از چند انقلاب مادر در تاریخ جهان است، پس از فراز و نشیب‌های بسیار، نظام سلطنتی را به جمهوری فرانسه تبدیل کرد. اما با توجه به رویگردانی انقلابیون از اهداف انقلاب به ویژه در دوره ناپلئون، بعد از ۲۱ سال در تاریخ ۱۸۱۵ به نقطه اول بازگشت و مجدداً خاندان بوریبون‌ها که طی انقلاب سرنگون شده بودند، زمام امور را به دست گرفتند.

در روسیه شعار برابری و برادری جای خود را به رشوه خواری، سوء استفاده و اختلاس از اموال دولتی داد. سازمان‌های جاسوسی به بهانه حفاظت از توده‌ها در مقابل خرابکاران راه‌اندازی شد. تنها در دوره استالین، شش میلیون نفر از مردم شوروی به دلایل واهی چون اقدام علیه امنیت شوروی، ضد انقلاب بودن یا ضد کمونیست بودن اعدام شدند. بدین ترتیب انقلاب شوروی و حزب کمونیست که قرار بود آزادی توده جامعه و مردم را تضمین و تامین کند، خود به یک سلب کننده آزادی مردم تبدیل شد. در بعد اقتصادی، اشتراکی کردن اجباری کشاورزی در دومین دهه حکومت شوروی به موقع اجرا گذاشته شد و در جریان اجرای این برنامه و قحطی بزرگی که به دنبال داشت، میلیون‌ها نفر تلف شدند.

انقلاب اسلامی ایران که با الهام از آموزه های دینی در شرایط تسلط مکاتب مادی به پیروزی رسید، همانطور که در ریشه و اهداف با انقلاب‌های پیش از خود متفاوت بود، همچنان به آرمانهای خود وفادار مانده است. انقلاب‌های فرانسه، روسیه، چین و حتی آمریکا (مگر در سال‌های آغازین که نبردهایی با انگلستان داشت) نه در بیرون و نه در درون با دشمنان قسم خورده مواجه نشدند و توطئه علیه این انقلاب‌ها شکل نگرفت؛ در حالیکه انقلاب اسلامی در طول حیات خود همواره با دشواری‌ها و توطئه‌ها در حال مبارزه بوده است. انقلاب اسلامی تنها در ۱۰ سال اول با ۱۷ توطئه روبه‌رو شد که هدفشان سقوط نظام بود. فشار سیاسی غرب با کمک حامیان داخلی‌اش در جهت برای براندازی در دهه‌های دوم، سوم، و چهارم انقلاب ادامه یافت، ضمن اینکه در جبهه اقتصادی نیز فشارهای شدیدی برای به شکست کشاندن انقلاب بر مردم ایران تحمیل شد. با این حال دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی، کماکان اولویت اصلی مردم و رهبران نظام به شمار می‌آید.

انقلاب اسلامی ایران، همانند انقلاب فرانسه تنها برای کسب آزادی یا مثل انقلاب اکتبر روسیه یک انقلاب کارگری نبود، بلکه در انقلاب اسلامی با تأکید بر ایدئولوژی اسلامی و تعالیم مکتب تشیع، تحول اساسی در زندگی مردم در راستای اهداف انسانی جستجو می‌شد. کوتاه سخن اینکه انقلاب ایران نه تنها در ریشه‌ها بلکه در اهداف و پایبندی به آرمان‌ها نیز انقلابی منحصر به فرد به شمار می‌آید: انقلابی با ویژگی‌هایی همچون:

- اسلام‌خواهی

- نفوذ و قدرت معنوی رهبر

- وحدت و همبستگی تمام اقشار ملت

- ارتباط بین دین و سیاست

- روحیه ایثار و شهادت طلبی مردم

- استقلال طلبی

- آزادی خواهی

- سازش ناپذیری

- عدم وابستگی به شرق و غرب

- حفظ اصول انقلاب حتی در شرایط دشوار

- رسیدن به پیروزی با کمترین خسارت و خونریزی

- تلاش برای خود کفائی اقتصادی

- پایگاه مردمی

- اهداف انسانی و معنوی در کنار اهداف مادی و اقتصادی.

